

## بحث: ثمره بحث از وجوب مقدمه موصله:

مرحوم آخوند در این باره می نویسد:

«بقی شیء و هو أن ثمرة القول بالمقدمة الموصلة هي تصحيح العبادة التي يتوقف على تركها فعل الواجب بناء على كون ترك الضد مما يتوقف عليه فعل ضده فإن تركها على هذا القول لا يكون مطلقا واجبا ليكون فعلها محرما فتكون فاسدة بل فيما يترتب عليه الضد الواجب و مع الإتيان بها لا يكاد يكون هناك ترتب فلا يكون تركها مع ذلك واجبا فلا يكون فعلها منهيًا عنه فلا تكون فاسدة.»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. بنا بر اینکه بگوئیم ترک ضد، مقدمه اتیان ضد دیگر است:
۲. اگر دو واجب ضد یکدیگر بودند (ازاله نجاست از مسجد و نماز): ترک نماز مقدمه ازاله نجاست می شود.
۳. اگر گفتیم مقدمه مطلقاً واجب است، ترک نماز مطلقاً واجب است و لذا نماز مطلقاً حرام است و باطل می شود [چون نهی در عبادات مقتضی فساد است] ولی اگر به مقدمه موصله قائل شدیم، ترک نماز در صورتیکه به ازاله نجاست منجر شود (مقدمه موصله) واجب است و لذا نماز به طور مطلق حرام نیست.

اشکال مرحوم شیخ انصاری بر این ثمره:

مرحوم آخوند در ادامه به اشکال مرحوم شیخ انصاری اشاره می کنند و می نویسد:

«و ربما أورد على تفريع هذه الثمرة بما حاصله بأن فعل الضد و إن لم يكن نقيضا للترك الواجب مقدمة بناء على المقدمة الموصلة إلا أنه لازم لما هو من أفراد النقيض حيث إن نقيض ذاك الترك الخاص رفعه و هو أعم من الفعل و الترك الآخر المجرد و هذا يكفي في إثبات الحرمة و إلا لم يكن الفعل المطلق محرما فيما إذا كان الترك المطلق واجبا لأن الفعل أيضا ليس نقيضا للترك لأنه أمر وجودي و نقيض الترك إنما هو رفعه و رفع الترك إنما يلزم الفعل مصداقا و ليس عينه فكما أن هذه الملازمة تكفي في إثبات الحرمة لمطلق الفعل فكذلك تكفي في المقام غاية الأمر أن ما هو النقيض

۱. كفاية الأصول (طبع آل البيت)، ص ۱۲۶.



فی مطلق الترتک إنما ینحصر مصداقه فی الفعل فقط و أما التقیض للترک الخاص فله فردان و ذلک لا یوجب فرقا فیما نحن بصددہ کما لا یخفی.<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. انجام نماز (ضد) اگرچه نقیض مقدمه موصله نیست (چراکه مقدمه موصله «ترک صلوة موصله به ازاله» است و هر نوع انجام نمازی نقیض آن نیست).
۲. ولی انجام نماز ملازم با نقیض است (انجام نماز ملازم است با «رفع ترک صلوة موصله به ازاله» یعنی رفع مقدمه موصله)
۳. چراکه «رفع ترک صلوة موصله به ازاله» اعم است از «انجام نماز» و «ترک نماز بدون ازاله» و لذا «انجام نماز» ملازم با نقیض می شود.
۴. و برای اینکه یک شیء حرام شود، کافی است که ملازم با یک حرام باشد.
۵. [والاً: اگر صرف ملازمه باعث حرمت نشود]:
- باید روی مبنای مشهور (که ترک نماز را مطلقاً واجب می دانند - و نه ترک نماز موصله را-) هم بگوئیم انجام نماز مطلقاً حرام نیست، چراکه:
۶. انجام نماز نقیض ترک نماز نیست چراکه انجام نماز یک امر وجودی است و نقیض ترک نماز، «رفع آن» است که امر عدمی است. و صرفاً انجام نماز ملازم با آن نقیض است.
۷. پس همانطور که ملازمه در این جا باعث حرمت می شود، در مقدمه موصله هم باعث حرمت می شود.
۸. البته یک فرق هست و آن اینکه در مبنای مشهور «رفع ترک نماز» یک مصداق دارد و آن انجام نماز است ولی طبق مبنای مقدمه موصله «رفع ترک نماز موصل» دو مصداق دارد یکی انجام نماز و دیگری «ترک نماز بدون ازاله»
۹. ولی این فرق، باعث تفاوت نمی شود.

۱. کفایة الأصول (طبع آل البیت)، ص ۱۲۱.

